



2 تحریف ماهرانه درباره نهضت کربلا

متن زیر گلچین خبرآنلاین از مجموعه سخنرانی های شهید استاد مرتضی مطهری، درباره تحریفات مربوط به عاشورا است که در مجموعه آثار شهید مطهری، جلد هفدهم منتشر شده است.

متن زیر گلچین خبرآنلاین از مجموعه سخنرانی های شهید استاد مرتضی مطهری، درباره تحریفات مربوط به عاشورا است که در مجموعه آثار شهید مطهری، جلد هفدهم منتشر شده است.

حسین(ع) می گوید من نهضت کردم برای امر به معروف، برای اینکه دین را زنده کنم، برای اینکه با مفساد مبارزه کنم. نهضت من یک نهضت اصلاحی اسلامی است. ما آمدیم یک چیز دیگری گفتیم. دو تا تحریف معنوی بسیار عجیب و ماهرانه در اینجا کردیم، نمی دانم بگویم ماهرانه یا جاهلانه.

تحریف معنوی اول: امام حسین کشته شد تا گناهان ما بيمه شود

یک جا گفتیم حسین بن علی قیام کرد که کشته بشود برای اینکه کفاره گناهان امت باشد، کشته شد برای اینکه گناهان ما آمرزیده شود. حالا اگر بپرسند آخر این در کجاست؟ خود حسین چنین چیزی گفت؟ پیغمبر گفت؟ امام گفت؟ چنین حرفی را چه کسی گفت؟ می گوییم ما به این حرف ها چه کار داریم؟ امام حسین کشته شد برای اینکه گناهان ما بخشیده شود. نمی دانیم که این فکر را ما از دنیای مسیحیت گرفته ایم.

ملت مسلمان خیلی چیزها را ندانسته از دنیای مسیحیت بر ضد اسلام گرفت. یکی همین است. یکی از اصول معتقدات مسیحی مساله به صلیب رفتن مسیح است برای اینکه فادی باشد. الآن «الفادی» لقب مسیح است. این از نظر مسیحیت جزء متن مسیحیت است. می گویند عیسی به دار رفت و این به دار رفتن عیسی کفاره گناه امت شد، یعنی گناهان خودشان را به حساب عیسی می گذارند. فکر نکردیم این حرف مال دنیای مسیحیت است و با روح اسلام سازگار نیست، با سخن حسین سازگار نیست. به خدا قسم تهمت به ابا عبد الله است. ابا عبد الله که برای مبارزه با گناه کردن قیام کرد، ما گفتیم قیام کرد که سنگری برای گنهکاران بشود.

ما گفتیم حسین یک شرکت بیمه تاسیس کرد، بیمه ی گناه. گفت شما را از نظر گناه بیمه کردم. در عوض چه می گیرم؟ شما برای من اشک بریزید، من در عوض گناهان شما را جبران می کنم، اما شما هرچه می خواهید باشید، ابن زیاد باشید، عمر سعد باشید. ما می گوییم یک ابن زیاد در دنیا کم بود، یک عمر سعد در دنیا کم بود، یک سنان بن انس در دنیا کم بود، یک خولی در دنیا کم بود، امام حسین خواست خولی در دنیا زیاد شود، عمر سعد در دنیا زیاد شود، گفت ایها الناس هرچه می توانید بد باشید که من بیمه ی شما هستم!

تحریف معنوی دوم: کشته شدن امام حسین یک دستور خصوصی بود

تحریف معنوی دومی که از نظر تفسیر و توجیه حادثه ی کربلا رخ داد این بود که گفتند می دانید چرا امام حسین رفت و کشته شد؟ یک دستور خصوصی فقط برای او بود و به او گفتند تو برو خودت را به کشتن بده. معلوم است، اگر یک چیزی دستور خصوصی باشد، به ما و شما دیگر ارتباط پیدا نمی کند، یعنی قابل پیروی نیست. اگر بگویند حسین چنین کرد، تو چنین بکن! می گوید حسین از یک دستور خصوصی پیروی کرد، به ما مربوط نیست، به دستورات اسلام که دستورات کلی و عمومی است مربوط نیست! آن یک دستور خصوصی مخصوص خودش بود. حال تفاوت این دو چگونه است؟ امام حسین خودش فریاد کشیده است که علل و انگیزه ی قیام من مسائلی است که بر اصول کلی اسلام منطبق می شود، احتیاجی به دستور خصوصی نیست.

دستور خصوصی در جایی می گویند که دستورهای عمومی وافی نباشد. امام حسین در کمال صراحت فرمود اسلام دینی است که به هیچ مؤمنی- حتی نفرمود به امام- اجازه نمی دهد که در مقابل ظلم و ستم، مفسد و گناه بی تفاوت بماند. امام حسین مکتب به وجود آورد ولی مکتب عملی اسلامی. مکتب او همان مکتب اسلام است، ولی اسلام بیان کرد و حسین عمل کرد. در درجه اول بیش از هرکس دیگر عمل کرد. مکتب عملی اسلام. ماهرانه تحریف کردیم برای اینکه این حادثه را از مکتب بودن خارج کنیم و قهرا از قابل پیروی بودن خارج کنیم. وقتی از مکتب بودن خارج شد، دیگر قابل پیروی نیست. وقتی که قابل پیروی نشد، پس دیگر از حادثه ی کربلا نمی شود استفاده کرد.

از اینجا ما حادثه را از نظر اثر مفید داشتن عقیم کردیم. خیلی به نظر کوچک می آید که بگویند دستور خصوصی بود. ولی می گوئیم وقتی وقتی گفتی دستور خصوصی، معنایش این است که دستورهای عمومی در این زمینه ها کافی و وافی نیست، یعنی اگر دستور خصوصی نمی رسید اسلام دستوری نداشت که بگوید در چنین شرایطی باید حرکت و قیام کرد، بلکه اسلام می گفت هرچه به نظرتان می رسد عمل کنید. این خیانتی است به حسین بن علی علیه السلام. آیا خیانتی از این بالاتر هم در دنیا صورت گرفته است؟

این است که عرض کردم این تحریف معنوی که در حادثه عاشورا صورت گرفته است، از آن تحریفات لفظی صد درجه خطرناکتر است. در تحریف لفظی مثلا کسی می گوید من حدس می زنم روز عاشورا هفتاد و دو ساعت بود، بعد هم اصرار می کند که هفتاد و دو ساعت بود. خوب یک چرندی گفته است. آن که می گوید سیصد هزار نفر را حسین بن علی کشت، آن که می گوید عروسی قاسم (درست است که به حسین بن علی اهانت کرده)، آن که می گوید زعفر جنی آمد، آن که می گوید زینب آمد به ابا عبد الله چنین گفت، ابا عبد الله فرمود کیست برای من اسب بیاورد، اعوان و انصاری نداشت، زینب رفت اسب ابا عبد الله را آورد، و از این دروغ ها، اینها برای هدف حسین بن علی آن قدر خطر ندارد که این تحریف های معنوی خطرناک است. بنابراین ما آمدیم نهضت حسین بن علی را که خود، هدف و منظوری داشته است مسخ و تحریف کردیم.